

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بلوغ کتابخوانی در ایران

نصرالله پورجوادی

ما را، بخصوص کسانی را که در مراحل مختلف تولید از قبیل نوشتن و ترجمه کردن و چاپ و توزیع سهمی اند، با مشکلات فراوان مواجه سازد.

تحولی که در زمینه کتاب در سالهای اخیر پدید آمده ناشی از عوامل متعدد بوده است. مهمترین علت این تحول ازدیاد تعداد خوانندگان و علاقه‌مندان کتاب است. میزان رشد طبقه کتابخوان در جامعه ما در ده سال اخیر آنچنان افزایش یافته که می‌توان آن را به رشد دوران بلوغ تشبیه کرد. تقاضایی که برای کتاب در نتیجه افزایش هنگامت تعداد خریداران کتاب به وجود آمده باعث شده است که میزان تولید به نحو بی سابقه‌ای بالا رود. در این میان پیشرفت صنعت چاپ و کسب تجارب بیشتر در تألیف و ترجمه و حرفچینی ماشینی و چاپ و صحافی و تا اندازه‌ای توزیع کمک کرده است که تولید کتاب چه از لحاظ عنوان و چه از لحاظ تیراژ افزایش یابد. در این مقاله سعی خواهیم کرد تغییراتی را که به آنها اشاره شد یک به یک بررسی کنیم و پیشنهادهایی برای حل مسائل موجود و جلوگیری از وقوع مشکلات و مسائل احتمالی آینده ارائه نماییم.

۲. تغییرات سالهای اخیر در وضع کتاب

الف) رشد رقم عناوین: نخستین تغییری که در سالهای اخیر در وضع کتاب پدید آمده است رشد تعداد عناوینی است که در سال به چاپ می‌رسد. بررسی اجمالی تاریخچه رشد تعداد عناوینی که هر سال در ایران منتشر می‌شود نشان می‌دهد که میزان تولید عناوین کتاب در بیست سال گذشته دو جهش چشمگیر داشته است. طبق آماري که از «کتابشناسی ده ساله ایران» به دست آمده است،^۱ مجموع کتابهایی که در طی ده سال (از ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۲) در کشور منتشر شده است ۵۶۰۲ عنوان بوده است، یعنی هر سال به طور متوسط ۵۶۰ عنوان تولید می‌شده است. آمار سال ۱۳۴۲

۱. دوره بلوغ و مقتضیات آن
آورده‌اند که عالم بزرگ سیدبن طاووس هر سال يك روز را در زندگیش به عنوان روز تولد ثانی خود گرامی می‌داشت. این روز روزی بود که سید بالغ شده بود و او به شکرانه مکلف شدن در ادای فرایض الهی آن را جشن می‌گرفت.

مرحله بلوغ برآستی مهمترین مرحله رشد انسان است. کودکی که از روز تولد در حال رشد کردن بوده و تا لحظه بلوغ رشدش تدریجی و یکنواخت بوده، همینکه پا به دوره بلوغ گذاشت ناگهان کیفیت تغییرات و تحولات ظاهری و باطنی او عوض می‌شود و در عرض چند هفته از دوران کودکی به دوران جدیدی قدم می‌گذارد. آدم بالغ نه تنها اعضا و جوارح و حرکات و سکناش تغییر می‌کند، بلکه نیازها و خواسته‌های او نیز عوض می‌شود و وظیفه پدر و مادر و مربیان خود را سنگین تر می‌سازد. جامعه‌ها نیز گاهی دستخوش تحولاتی سریع می‌شوند که بی شباهت به تجربه دوران بلوغ شخصی نیست. تغییرات ظاهری و باطنی و رشد و توسعه کمی و پیدایش روحيات و تمایلات تازه در فاصله‌ای کوتاه جامعه را آنچنان متحول می‌سازد که پس از يك دوره کوتاه گویی جامعه‌ای جدید متولد شده است. در ده سال گذشته، ما در جامعه خود شاهد چنین تغییرات و تحولات عظیم و شتابناکی بوده‌ایم. آنچه ما آن را انقلاب می‌خوانیم در واقع تحولاتی عظیم و عمیق بوده که جامعه ما را به کلی دگرگون ساخته است. تغییراتی که در سالهای اخیر پدید آمد به حدی وسیع بوده است که درباره آنها کتابها می‌توان نوشت.

در این مقاله قصد ما این است که فقط به يك جنبه از تغییرات مزبور بپردازیم، و آن تحولی است که در جامعه ما در زمینه کتاب و کتابخوانی پدید آمده است. این تحول که در اینجا از آن به عنوان بلوغ کتابخوانی یاد می‌شود موجب شده است که وضع کتاب از لحاظ تولید و توزیع و فروش و خرید به کلی دگرگون شود و جامعه

نشان می‌دهد که در این سال ۷۵۱ عنوان تولید شده است. ولی ناگهان در سال بعد این رقم به ۱۰۴۸ عنوان و در سال ۱۳۴۴ به ۱۷۵۲ و همین‌طور هر ساله این رقم بالاتر می‌رود تا در سال ۱۳۴۹ به ۴۳۵۹ عنوان می‌رسد. بنابراین، سال ۱۳۴۳ از حیث عنوانهای منتشره سالی مهم در تاریخ نشر کتاب در ایران است. دومین جهش در میزان تولید عناوین بعد از انقلاب اسلامی رخ داده است. تعداد عناوین در سال ۱۳۵۰ اندکی تنزل می‌کند و در سالهای ۵۰ تا ۵۷ نیز رشدی پیدا نمی‌کند، حتی در سال ۵۷ نیز، که پر جوش و خروش‌ترین سالهای نشر کتاب است، میزان تولید عناوین بالا نرفته است.^۲ از سال ۱۳۵۸ به بعد بازار کتاب دچار رکودی نسبی می‌شود، ولی از سال ۶۱ به بعد مجدداً بازار کتاب رونق می‌گیرد و بر تعداد عناوین نسبت به سالهای قبل افزوده می‌شود. متأسفانه آمار دقیق کتابهایی که در این سالها منتشر شده است در دست نیست.^۳ اخیراً فهرست نسبتاً مطمئنی از کل عنوانهای منتشره در سال ۱۳۶۲ تهیه و چاپ شده است.^۴ رقمی که در این تحقیق برای مجموع عنوانهای منتشر شده در این سال ذکر شده است ۴۳۳۸ عنوان است. ولی باز این رقم شامل همه عناوین نیست. تهیه‌کننده فهرست خود اذعان کرده است که «در این آمار کتابهای رسمی درسی دبستانی، راهنمایی، دبیرستانی و تک‌نگاریهایی که از چهل صفحه کمتر بودند (به استثنای کتابهای کودکان) و نشریه‌های ادواری به حساب نیامده است.» سازمان پژوهش وزارت آموزش و پرورش بالغ بر ۶۰۰ عنوان در سال کتاب تولید می‌کند. این رقم همراه با رقم تعداد نشریات ادواری و تک‌نگاریها باید به رقمی که در بالا ذکر شده است اضافه شود. علاوه بر آن، برای تهیه آمار دقیق باید چاپ و تجدید چاپهای مکرر عناوین مذهبی مانند قرآن مجید (نسخه‌های مختلف)، نهج البلاغه، کتب حدیث شیعه چون اصول و فروع کافی، مفاتیح الجنان، و صحیفه سجادیه و دعاها را دیگر و نشریاتی که توسط سازمانهای دولتی بخصوص در دانشگاهها بیشتر برای مصرف داخلی تولید می‌شود (من جمله جزوه‌های درسی) و افست کتابهای علمی خارجی که توسط ناشران خصوصی و دانشگاهها و این روزها توسط جهاد دانشگاهی انجام می‌گیرد (و در سال ۱۳۶۳ تعداد آنان به مراتب بیش از سال قبل است) افزود. با در نظر گرفتن این عناوین اگر مجموع عناوین منتشر شده در سال ۱۳۶۲ را در حدود ۵۵۰۰ بدانیم، حدس ما از واقعیت دور نخواهد بود. این رقم تقریباً برابر با مجموع عناوینی است که در ده سال (از ۱۳۳۳ تا ۱۳۴۲) چاپ شده است و از مجموع عناوینی که در بهترین سالهای قبل از انقلاب یعنی سال

۱۳۴۹ به چاپ رسیده در حدود ۲۵ درصد افزایش داشته است. و تازه، سال ۶۳ که هنوز به پایان نرسیده است بدون شك موفق‌تر از سال ۶۲ بوده و تعداد عناوین امسال به یقین بیش از سال ۶۲ خواهد بود. به هر تقدیر، علی‌رغم عدم دسترسی به آمارهای دقیق، قدر مسلم این است که تعداد عناوینی که به‌طور کلی در سالهای بعد از انقلاب، بخصوص سال ۶۲ و نیمه اول ۶۳ منتشر شده است نسبت به ارقام تولید در سالهای قبل از انقلاب افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است.

ب) بالا رفتن تیراژ: افزایشی که در سالهای اخیر در تیراژ کتاب پدید آمده است نیز به اندازه افزایش عناوین اهمیت دارد. تیراژ معمولی کتاب در سالهای قبل از انقلاب معمولاً دو تا سه هزار نسخه بود، ولی از سال ۱۳۵۷ بخصوص در نیمه دوم این سال، ناگهان تیراژ کتابها چندین برابر شد. کتابهایی بود که در این سال در پنجاه هزار و گاهی در صد هزار نسخه تکثیر می‌شد، و این خود موجب حیرت همه ناشران شده بود. ناشران می‌پنداشتند که این امر عارضه‌ای است موقتی که به دلیل تحولات سریع سیاسی در صحنه نشر پدید آمده است و گمان می‌کردند پس از چندی این حالت استثنایی برطرف شود. ولی بعد با کمال تعجب مشاهده کردند که اگرچه آن وضع تا حدودی و از جهاتی استثنایی بود، ولی رقم پنجاه هزار و یکصد هزار برای تیراژ بعضی از عناوین همچنان حفظ شده است.

پرفروش‌ترین کتابها در آستانه انقلاب و اندکی بعد از انقلاب کتابهای دکتر علی شریعتی بود. تیراژ این کتابها هر يك از صد هزار نیز تجاوز می‌کرد^۵ و هر کتاب چندین بار در فاصله‌های کوتاه تجدید چاپ می‌شد. پس از اینکه در سالهای ۵۹ و ۶۰ بازار کتابهای شریعتی از تب و تاب افتاد، کتابهای مرحوم مطهری و کتابهای مذهبی بطور کلی از لحاظ تیراژ جایگزین کتابهای

شریعتی شد. کتابهای «جلد سفید» دوران انقلاب را نیز که گاهی با تیراژهای چندده هزار به چاپ می‌رسید فراموش کرد. کتابهای مرجع و پاره‌ای از فرهنگها نیز همیشه جزو کتابهای پرتیراژ و پرفروش سالهای اخیر بوده است^۶

اینها چیزهایی است که بیشتر کسانی که با عالم نشر سروکار دارند می‌دانند. تجربه‌ای که در چهارپنج سال گذشته من شخصاً داشته‌ام وقوع این تحول بزرگ را تأیید می‌کند. کتابی را که در سال ۱۳۵۸ در مؤسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف در دوهزار نسخه چاپ کردم، در فروردین سال ۱۳۶۲ در یازده هزار نسخه تکثیر کردم؛ پس از چهارماه همه نسخه‌های آن به فروش رفت. در پاییز همان سال مجدداً پانزده هزار نسخه از آن تکثیر کردم که باز همه نسخه‌های آن در عرض چهارپنج ماه به فروش رفت. کتاب دیگری را در مرکز نشر دانشگاهی در یازده هزار نسخه تکثیر کردیم، به‌خیال اینکه تا دو سال احتیاج ما را برآورده کند، ولی در مدتی کمتر از سه ماه همه نسخه‌های آن به فروش رفت. کتابی دیگر را امسال در چهارهزار نسخه چاپ کردیم که در کمتر از یک هفته نایاب شد. بیش از بیست عنوان از کتابهای ما در تیراژهای بیش از ده هزار نسخه منتشر شده است و چهل عنوان در تیراژ بیش از چهارهزار نسخه.

اگرچه کتابهای مرکز نشر دانشگاهی عموماً کتابهای دانشگاهی است و غالباً مورد استفاده دانشجویان و دانشگاہیان است، ولی به‌رحال تیراژ بالای این کتابها نیز خود نشانه تحول بزرگی در امر تولید کتاب است. کتاب دانشگاهی در گذشته نیز توسط انتشارات دانشگاهی و بعضاً انتشارات بخش خصوصی تولید می‌شد، ولی هیچ‌گاه تعداد نسخه‌های آن از دوهزار یا حداکثر چهارهزار تجاوز نمی‌کرد. بزرگترین ناشر کتابهای دانشگاهی ما انتشارات دانشگاه تهران بود. کتابهایی که این ناشر چاپ می‌کرد معمولاً در یکی دوهزار نسخه تکثیر می‌شد، و چند سال طول می‌کشید که بعضاً به چاپهای بعدی برسد. ما هیچ‌وقت کتاب دانشگاهی در تیراژ پنجاه‌وشصت هزار نسخه تولید نمی‌کردیم.

تیراژ بالا فقط مربوط به کتابهای دانشگاهی نیست. درحقیقت برای تیراژهای بالا باید به سراغ ناشر دولتی دیگری رفت، و آن سازمان پژوهش و کتابهای درسی وزارت آموزش و پرورش است. این سازمان که در سال ۱۳۴۲ تأسیس شد در سال ۱۳۴۹ تقریباً ۳۰ میلیون نسخه کتاب منتشر کرده است. در سال گذشته این رقم بالغ بر ۸۰ میلیون شده و امسال از آن هم بالاتر رفته است. سازمان کتابهای درسی در واقع از بزرگترین ناشران

کشور، هم از حیث تعداد عناوین و هم از حیث میزان تیراژ است. چاپ کتابهای دانشگاهی در تیراژ چندده هزار و تجدید چاپ آنها در همان سال و نیز چاپ کتابهای درسی دبستانی و دبیرستانی در چندصد هزار نسخه در واقع ما را وارد مرحله جدیدی از تولید کتاب کرده است که می‌توان آن را تولید انبوه (mass production) نامید. سازمان کتابهای درسی از چند سال پیش وارد مرحله تولید انبوه شده است. تولید کتابهای دانشگاهی، تا قبل از تأسیس مرکز نشر دانشگاهی، در مرحله‌ای ابتدایی سیر می‌کرد، و مؤسسات نشر، اعم از دانشگاهی و غیردانشگاهی، به‌منزله کارگاه کوچک تولیدی بودند. ولی تجربه‌ای که مرکز نشر در دو سه سال اخیر داشته است نشان می‌دهد که میزان تقاضا به‌حدی بالا رفته است که فعالیتهای محدود انتشاراتی نظیر فعالیتهای کارگاههای کوچک پاسخگوی این تقاضاها نیست. نیاز کنونی جامعه ما اقتضا می‌کند که ما در صنعت تولید در کشور خود تجدیدنظر کنیم و میزان تولید را از سطح کارگاهی به سطح کارخانه‌ای بالا ببریم.

رشد میزان تقاضا در سالهای اخیر به‌حدی سریع بوده که ما هنوز نتوانسته‌ایم خود را آماده کنیم و با عرضه مناسب موفق به برآوردن آن شویم. امکانات کشور ما نیز هنوز در حد تولید کارگاهی است. تولید کارخانه‌ای مستلزم برنامه‌ریزی و تهیه و تدارک مواد و مصالح چاپ و نشر، از قبیل کاغذ و مقوا و غیره است که ما هنوز نتوانسته‌ایم خود را برای آنها تجهیز کنیم. تحولات این دوران بلوغ سریعتر از آن است که ما نتوانسته باشیم حتی ذهن خود را با آنها همراه سازیم.

*

در اینجا لازم است به نکته مهمی در مورد افزایش سالانه عناوین و تیراژ کتابها اشاره کنیم. وقتی ما صحبت از افزایش کمیّت تولید کتاب می‌کنیم، باید توجه داشته باشیم که کتاب محصولی است که با محصولات مصرف‌شدنی مانند مواد غذایی و پوشاک فرق دارد. محصولات نظیر گندم و برنج و پارچه که در یک سال تولید می‌شود محصولاتی است که در همان سال یا حداکثر تا یکی دو سال بعد مصرف می‌شود؛ ولی در مورد کتاب این حکم صدق نمی‌کند. کتاب همینکه چاپ شد، در صورت موجود بودن نسخه‌های آن، همواره می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. کتاب محصولی است که مانند محصولات مصرف‌شدنی از بین نمی‌رود، بلکه هر کتاب جدید به مجموعه کتابهای یک فرهنگ افزوده می‌شود و موجب غنای گنجینه‌ای می‌شود که همه نسلها می‌توانند از آن استفاده کنند. خوانندگان ما در سال ۶۲ فقط پنجاهزار و اندی

عنوان کتابی را که در این سال تولید شده است در اختیار ندارند، بلکه هزاران عنوان کتابی که تاکنون منتشر شده و بخصوص در ده سال اخیر به چاپ رسیده است در دسترس ایشان قرار دارد و نسخه‌های بسیاری از این عناوین نیز در کتابفروشیها (و همچنین کتابخانه‌ها) موجود است که در صورت نیاز می‌توانند به آنها مراجعه کنند. بنابراین، اگر بخواهیم میزان تقاضا را در مورد کتاب از روی عرضه بسنجیم، فقط به تولیدات همان سال نمی‌توانیم اکتفا کنیم. میزان تولید سالانه کتاب برای نشان دادن وضع اقتصادی و صنعتی و فعالیت فرهنگی کشور اطلاعات مفیدی است، ولی میزان کاملی برای سنجش تعداد خریداران کتاب و به‌طور کلی کتابخوانها و رشد کتابخوانی در کشور نیست.

۳. بهبود وضع توزیع

تغییر دیگری که در سالهای اخیر در تولید و عرضه کتاب در کشور پدید آمده است در توزیع کتاب بوده است. توزیع کتاب در کشور ما همیشه برای مؤلفان و ناشران و خریداران و علاقه‌مندان کتاب مسأله بوده است و حتی زمانی که تیراژها در حد یکهزار و دوهزار بود ناشران نمی‌توانستند کتاب خود را به خوبی در سراسر کشور توزیع کنند و به‌دست متقاضیان برسانند. با ازدیاد تیراژ این مشکل حادث‌تر شده است. البته همینکه عناوینی در پنجاه هزار و یکصد هزار نسخه تولید می‌شود و به فروش می‌رسد خود نشان می‌دهد که نحوه توزیع از گذشته بهتر شده است. و برآستی هم در یکی دو سال اخیر شبکه‌های سراسری توزیع در کشور به وجود آمده است، ولی این شبکه‌ها هنوز در مراحل ابتدایی است. چه بسا که اگر توزیع کتاب با نظم و ترتیب بهتری انجام می‌گرفت، میزان تولید همین کتابها افزایش بیشتری می‌یافت.

همزمان با ایجاد شبکه‌های توزیع، کتابفروشیهایی نیز در شهرهای مختلف کشور به‌خصوص در تهران گشایش یافته است.^۷ علاوه بر دهها کتابفروشی که در مقابل دانشگاه تهران وجود دارد امروزه در خیابانها و محلات پرجمعیت نیز يك یا چند کتابفروشی تأسیس شده است. آمار دقیق کتابفروشیهای شهرها در دست نیست، ولی کتابخوانان تهرانی بدون شك متوجه کتابفروشیهای جدیدی که پیوسته در محلات مختلف دایر می‌شود شده‌اند. در شهرستانها نیز به تعداد کتابفروشیها در سالهای اخیر افزوده شده است. وجود کتابفروشیها در کنار داروخانه‌ها و سوپرمارکتها و میوه‌فروشیها نشان می‌دهد که تحولی در فرهنگ جامعه ما ایجاد شده و کتاب به‌صورت یکی از ضروریات زندگی درآمده است.

۴. مجلات و نشریات

افزایش تولید نه‌تنها شامل عناوین و تیراژ کتاب بوده است، بلکه مجلات و نشریات ادواری را نیز دربر می‌گرفته است. در اینجا ما کاری به محتوای مجلات و نشریات نداریم و داوری درباره آنها را به مجالی دیگر موکول می‌کنیم. آنچه نقدا مورد نظر ماست تعداد این مجلات و نشریات و تیراژ آنهاست. بسیاری از نشریاتی که قبل از انقلاب چاپ و منتشر می‌شد، در سالهای اول پس از انقلاب به دلایل مختلف در محاق تعطیل فرورفت، ولی از سال گذشته بعضی از آنها (از جمله مجلات دانشکده‌ها) مجدداً کار خود را از سر گرفته‌اند. از آن گذشته به‌جای نشریاتی که به کلی تعطیل شد نشریات جدیدی به‌وجود آمده است. با تهیه و نشر آمار دقیق این نشریات، ما می‌توانیم قضاوت بهتری درخصوص ازدیاد تعداد عناوین بکنیم. ولی يك چیز مسلم است و آن این است که تیراژ این نشریات نیز با تیراژ نشریات مشابه در سالهای قبل از انقلاب فرق کرده و به‌طور کلی بعد از انقلاب جهش قابل توجهی در تیراژ مجلات علمی پیدا شده است.^۸ نمونه بارز این وضع را در تیراژ نشر دانش می‌توان مشاهده کرد. این نشریه امروزه در دوازده هزار نسخه منتشر می‌شود و تعداد ده هزار نسخه آن بلافاصله پس از انتشار به فروش می‌رسد و مابقی نیز به تدریج به فروش می‌رود و نایاب می‌شود، به‌طوری که ما هم اکنون ناگزیر از تجدید چاپ شماره‌های سال اول آن شده‌ایم. باوجود این رقم بالا، هنوز بسیاری از علاقه‌مندان نشر دانش شکایت می‌کنند که توزیع ما کارآمد نیست و این نشریه به‌دست آنان نمی‌رسد. مجله دیگر مرکز نشر، به نام مجله فیزیک، نشریه‌ای علمی و تخصصی است که در پنج هزار نسخه تکثیر می‌شود. این رقم تیراژ در نوع خود بی‌سابقه است. تیراژ نشریاتی چون کیهان فرهنگی و مجلات علمی یا عادی دیگر که هر ماه یا هر هفته و دو هفته در دهها هزار نسخه تکثیر می‌شود نیز قابل تأمل است و بدون شك از تیراژ نشریات مشابه در سالهای قبل از انقلاب بالاتر است.

۵. استقبال بی‌سابقه از کتابهای خارجی

افزایش تولید و تعداد کتابخوانان و استقبال مردم از کتاب فقط به کتابهای فارسی مربوط نمی‌شود. مرکز نشر از يك سال و نیم پیش اقدام به وارد کردن کتابهای خارجی نمود. استقبالی که از این حرکت مرکز نشر شده است جنبه دیگری از بلوغ کتاب‌خوانی در کشور ما را نشان می‌دهد. فروش دهها هزار نسخه کتاب خارجی در عرض یکی دو هفته هرگز در کشور ما سابقه نداشته است. يك بار مرکز نشر در سال گذشته در حدود

۶. علت بروز تحول در وضع کتاب

پس از ذکر این تغییرات و تحولات، باید از خود سؤال کنیم که این حوادث و رویدادهای بی سابقه در تولید کتاب و توزیع و فروش آنها و اقبال مردم برای خرید و مطالعه آنها چه چیز را نشان می‌دهد. پاسخ این سؤال همان است که در ابتدا ذکر شد. جامعه ما از لحاظ کتابخوانی تحول بزرگی یافته و مسأله کتاب در کشور ما در سالهای اخیر به کلی با گذشته فرق کرده است. مردم ما امروزه به کتاب و نشریات و به‌طور کلی هر چیز خواندنی رغبت بیشتری پیدا کرده‌اند. عادت به مطالعه در اقشار مختلف بیشتر شده است. فقط کتابهای مذهبی و سیاسی و تاریخی و مرجع نیست که امروزه مشتری زیاد دارد، بلکه حرفه‌نامه‌ها و کتابهای دستورالعمل مانند دستورالعمل گلدوزی و آشپزی و لوله‌کشی و سیم‌کشی و غیره نیز خریداران زیادی پیدا کرده است.

آثار تحول در بازار کتاب اگرچه در حین انقلاب و پس از آن آشکار شده است، زاینده انقلاب نبوده است. ازدیاد عناوین و بالا رفتن تیراژ کتاب را ما در سال ۵۷ نیز به چشم دیدیم. صفهای طولی را که برای خرید کتابهای مرحوم علی شریعتی تشکیل می‌شد همه کسانی که از نزدیک مشاهده کردند به یاد دارند. این کتابخوانها ناگهان و یکشبه به وجود نیامدند. روی آوردن مردم به کتاب در بحبوحه انقلاب بدون شك معلول عوامل مختلفی از قبیل آزاد شدن چاپ کتابهای ممنوعه و تألیف و انتشار کتابهای تاریخی و سیاسی بود. در کنار این عوامل، جنبه‌های معنوی و تحریک شدن کنجکامی مردم به‌خصوص نسل جوان بود. در پدید آمدن این جنبه‌های معنوی بدون شك مجاهدات بیدارکننده رهبر انقلاب و سایر شخصیت‌های مذهبی و سیاسی نقش اساسی داشت. ولی همه اینها فقط علت روی آوردن کتابخوانها به کتاب در بحبوحه انقلاب بود نه علت پدید آمدن تحول و بلوغی که مورد بحث ماست.

علت اصلی این تحول و بلوغ چه بود؟ هر کشاورزی می‌داند که بذرها باید در زمینی بپاشد که مستعد باشد. جامعه ما در زمان انقلاب مستعد دریافت تأثیراتی بود که از جانب شخصیت‌های مذهبی و سیاسی ناشی می‌شد. تحولی در این زمین پدید آمده بود و این تحول استعداد قبول بذری را یافته بود که رهبر انقلاب و شخصیت‌های انقلابی در آن می‌پاشیدند. اولین نتیجه‌ای که از این بذرها پدید آمد سرنگونی رژیم سابق بود. البته سرنگونی آن رژیم فقط جنبه سیاسی تحول را نشان می‌دهد. و جنبه‌های دیگر این تحول خود موضوعی است که باید توسط متفکران و محققان مورد بررسی قرار گیرد. علی‌ای حال، بلوغ کتابخوانی، یعنی

بیست هزار نسخه کتاب پزشکی به زبان انگلیسی را برای فروش منحصرأ به پزشکان و دانشجویان عرضه کرد. صفهای طولی برای خرید کتاب تشکیل شد و در عرض سه چهار روز تقریباً همه نسخه‌های موجود به فروش رفت. سپس شکایتهای مکرر بود که از شهرستانها می‌رسید که می‌پرسیدند چرا کتابها را به آنان عرضه نکرده‌اند. درست است که این تشنگی تاحدودی معلول وارد نشدن کتاب در دوسه سال قبل از آن بوده است، ولی با این همه کتابهایی که مرکز در ظرف مدت يك سال وارد کرده است (در حدود ۱۵۰۰۰ نسخه) ظاهراً می‌بایست اندکی باعث فروکش شدن این عطش شده باشد، ولی واقعیت غیر از این را نشان می‌دهد.

یکی از واردکنندگان با سابقه کتابهای خارجی، وقتی صف طولی پزشکان را برای خرید کتاب مشاهده کرد با حیرت و تعجب به من گفت که هرگز در گذشته نمی‌توانست تصور کند که روزی پزشکان مطب و کلاس درس و گاهی اطاق عمل را رها کنند و در صف کتاب بایستند. در نمایشگاه بین‌المللی کتابهای پزشکی که در اردیبهشت ماه سال جاری برگزار شد، دهها هزار نفر از همه نقاط کشور برای بازدید از آن هجوم آوردند و نزدیک به هفت هزار نفر موفق به دادن سفارش کتاب شدند، و اگر ما قادر به برگزاری این نمایشگاه در شهرستانها می‌شدیم، مسلماً استقبال بیشتری به عمل می‌آمد و سفارشهای بیشتری دریافت می‌شد.

علاوه بر کتابهای خارجی که مرکز نشر دانشگاهی در دو سال گذشته وارد کرده است مؤسسات دیگر از جمله «مرکز انتشارات علمی و فرهنگی» و «دفتر تهیه و توزیع کتب و نشریات خارجی» وزارت فرهنگ و آموزش عالی نیز اقدام به وارد کردن کتابهای خارجی نموده‌اند. آمار دقیق همه این کتابها متأسفانه هنوز تهیه نشده است، همچنان که در مورد افزایش تعداد عناوین و تیراژها نیز نمی‌توان آمار دقیق ارائه داد. بنابراین قضاوت‌های ما تا اندازه‌ای کلی است و براساس تجربه مستقیم ما به‌عنوان بزرگترین ناشر دانشگاهی و یکی از بزرگترین ناشران کشور و واردکننده عمده کتابهای خارجی است. قدر مسلم این است که وقتی این آمارها تهیه شد، ما نظر روشن‌تری نسبت به جزئیات پیدا خواهیم کرد. ولی مطمئناً این آمار و ارقام ناقص قضاوت‌های ما در مورد افزایش تولید و تیراژ و به‌طور کلی افزایش علاقه مردم به کتاب و ازدیاد تعداد کتابخوانها در کشور نخواهد بود، بلکه نظر ما را تأیید خواهد کرد.

زمینه فکری مردم ما، نه نتیجه انقلاب بود و نه به تنهایی علت آن بود، بلکه ملازم آن بود.

تحولی که در جامعه ما ایجاد شد و نتیجه آن با سرنگونی رژیم سابق آشکار شد، علل مختلف دارد. بالا رفتن تعداد کتابخوانان در کشور ما به طور قطع رابطه‌ای مستقیم با ازدیاد جمعیت کشور به طور کلی و بالا رفتن جمعیت شهرها، و به خصوص رشد طبقه باسواد و تحصیل کرده دارد. در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ صدها هزار نفر از دبیرستانها فارغ التحصیل شدند و چندین دانشگاه و مدرسه جدید در کشور تأسیس شد و گنجایش دانشگاههای قدیم نیز به مراتب بیشتر شد. دهها هزار فارغ التحصیلی که از این دانشگاهها بیرون آمدند همه زمینهای مستعدی بودند برای افکاری که از طریق کتابها به آنان القا می شد. به این رقمها باید رقم هزاران نفری را هم که از دانشگاههای خارج فارغ التحصیل شده بودند و یا در حوزه‌های علمیه تحصیل کرده بودند افزود. بنابراین، آنچه تعداد کتابخوانان را به درجه‌ای رساند که منجر به تحولی بزرگ در امر کتابخوانی گردید ازدیاد جمعیت در شهرها و افزایش مدارس و دانشگاهها و رشد طبقه تحصیل کرده و باسواد بود.

عللی که موجب رشد طبقه کتابخوان در کشور شد نه تنها از انقلاب به بعد مرتفع نشده بلکه سال به سال تقویت بیشتری پیدا کرده است. جمعیت کشور باز هم افزایش یافته و شهرها سال به سال پرجمعیت تر شده است. از انقلاب به بعد هزاران مدرسه به مدرسه‌های قدیم اضافه شده و تعداد دانش آموزان ما بالغ بر ده میلیون و تعداد دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی کشور در حدود یکصد و پنجاه هزار نفر شده است. رشد طبقه کتابخوان و عادت به کتاب خواندن مسلماً مشکلات کتاب را، چه از لحاظ تولید و چه از لحاظ توزیع، بیشتر خواهد کرد. مرحله‌ای که به دنبال بلوغ می آید، مرحله بزرگسالی است. جامعه ما طبعاً پس از پشت سر گذاشتن دوران بلوغ کتابخوانی به دوران ماقبل آن بازمی گردد. نتیجه این امر این است که سال به سال طبقه کتابخوان ما رشد خواهد یافت و عادت به کتابخوانی بیشتر خواهد شد، و ناگزیر تقاضا برای عناوین جدید و تیراژ زیاد بیشتر خواهد شد. کسانی که در بحبوحه انقلاب می پنداشتند پس از اینکه تب و تاب انقلابی مردم فروکش کرد مشتری کتاب کم خواهد شد و همه چیز به وضع سابق بر خواهد گشت مشاهده کردند که تا چه اندازه در اشتباه بودند. تعداد کتابخوانها از انقلاب به بعد نه تنها کم نشده بلکه زیادتر هم شده است. درست است که تیراژ عناوین کتابهای سیاسی در سالهای ۵۸ تا ۶۰ به اندازه تیراژ کتابهای مشابه در سالهای قبل نیست، ولی در عوض تیراژ

کتابهای مذهبی بالا رفته و ناشران و چاپخانه‌ها همچنان با فعالیت خود ادامه می دهند و از این خوان گسترده بهره مند می گردند. و ما این مژده را نیز به آنان می دهیم که در سالهای آینده به مشتریان آنان روز به روز افزوده خواهد شد و چه بسا برای کتابهای راگد آنان نیز که مدتها در قفسه‌ها مانده خریدار پیدا شود. آقای کریم امامی در مقاله‌ای که تحت عنوان «چاپ افست و ناشران بساز و بفروش» در همین شماره نشر دانش نوشته اند در مورد روی آوردن ناشران به تجدید چاپ کتابهای قدیم از طریق افست اظهار نظر کرده اند که بالاخره روزی کفگیر این ناشران بساز و بفروش یا به تعبیر خاص ایشان «بچاپ و بفروش» به زودی به ته دیگ خواهد خورد. ولی این پیش بینی به نظر من درست نیست. من معتقدم که کتابهای قدیمی همواره سرمایه‌ای برای ناشران «بساز و بفروش» خواهد بود، زیرا برای مقابله با افزایش سریع تعداد کتابخوانان راههای سریع باید در پیش گرفت، و طریقه افست و تجدید چاپ کتابهای قدیم یکی از مؤثرترین و کارآمدترین راههاست^{۱۱}

۷. چگونه دوران بلوغ را تدارک کنیم

الف) وظایف ناشران خصوصی و دولتی: سؤالی که اکنون باید مطرح کرد و به آن پاسخ داد این است که در مقابل این موجی که در جامعه ما به وجود آمده و روز به روز هم عظیم تر می شود ناشران کشور ما، اعم از خصوصی و دولتی، چه باید بکنند و از سوی دیگر، دولت جمهوری اسلامی و مسؤولان فرهنگی برای برآوردن تقاضاهای بحق این مشتریان طلبکاری که تا حدودی به دست خود و دولت به وجود می آید چه وظیفه‌ای به عهده دارند؟ قبل از اینکه به پاسخ این سؤال بپردازیم، باید یادآور شویم که تحولی که در جامعه ما پدید آمده است تحولی است میمون و اگر در جهت صحیح هدایت شود بدون شك نتایج گرانبهایی برای آینده کشور ما به وجود خواهد آورد. نیاز جامعه کتابخوان ما نیز نیازی است ارزنده و باید به نحوی صحیح و با حسن نیت در صد برآوردن آن برآمد. ناشران و مسؤولان نمی توانند این نیاز را نادیده بگیرند. ممکن است بعضی تا مدتی نسبت به آن بی اعتنا باشند، ولی به هر حال دیر یا زود ناگزیر خواهند بود که با واقعیت روبرو شوند و بدون اینکه بخواهند از آن صرفاً استفاده برند باید سعی کنند در خدمت آن باشند.

کاری که ناشران بخش خصوصی باید انجام دهند این است که در عین افزایش کمیت تولید خود سعی کنند کیفیت کار را هم بالا برند. ما بخصوص در بحبوحه انقلاب شاهد یک لطمه فرهنگی

به وضعیت نشر در جامعه خود بودیم و آن ورود يك عده شاگرد کتابفروش به جرگه ناشران با سابقه و امین بود. ناشران قدیمی ما کم و بیش در کار خود امین بودند و سعی می کردند حیثیتی برای خود کسب کنند و یا اگر کسب کرده بودند آن را حفظ کنند. اما وقتی بازار کتابهای به اصطلاح «جلد سفید» در سال ۵۷ رونق گرفت، شاگردان کتابفروش با سرمایه ای اندک توانستند به سودهای کلان برسند و چون مشتری زیاد بود و هر چه بود با ولع می خریدند کمتر به فکر کیفیت کار خود بودند. پاره ای از این شاگردان سرمایه ای به هم زده و هم اکنون ناشران اسم و رسم دار شده اند. بعضی از آنها کیفیت کار خود را بالا برده اند، ولی متأسفانه بعضی دیگر همچنان به فکر استفاده (یا سوء استفاده) از بازار پر رونق کتابند.

شاید یکی از راههای جلوگیری از سودجوییهای ناحق این عده تقویت اتحادیه ناشران و اعمال ضوابط از طرف خود ایشان باشد. اگر ناشران خود به فکر اصلاح کار خویش نباشند، بیم آن می رود که دولت ناچار شود که قدم پیش گذارد، چنانکه در مورد قیمت گذاری این اتفاق رخ داد. تقویت اتحادیه ناشران فایده دیگری نیز در بر خواهد داشت، و آن این است که ناشران از این راه بهتر خواهند توانست مشکلات خود را با دولت در میان گذارند و سریعتر به خواسته ها و مایحتاج خود برسند.

و اما وظایف ناشران دولتی بسیار سنگین تر است. این ناشران از آنجا که کارشان عموماً جنبه غیر انتفاعی دارد باید سعی کنند هم کیفیت کار خود را بالا برند و هم کمیت آن را. متأسفانه پاره ای از مؤسسات دولتی در سالهای بعد از انقلاب به دلیل ضعف مدیریت نه کیفیت کارشان مطلوب بوده و نه کمیت آن. ناشر دولتی علاوه بر چاپ و نشر کتابهای ارزنده محققان و مؤلفان و مترجمان ورزیده علی الاصول باید با برنامه ریزی صحیح تحقیقاتی را پایه ریزی کند و حاصل آن تحقیقات را به چاپ برساند. این تحقیقات معمولاً هزینه سنگینی را بر دوش ناشر می گذارد، و از آنجا که ناشران خصوصی کمتر حاضرند در این راه سرمایه گذاری کنند، برای اعتلای فرهنگ جامعه ناشران دولتی وظیفه دارند که به این قبیل کارها مبادرت نمایند.

چاپ کتابهای تحقیقی یا ترجمه های متون اساسی همیشه با زیان توأم نیست. در پاره ای موارد، بخصوص در مورد کتابهای درسی دانشگاهی، به علت تیراژ بالای این کتابها، علی رغم کمکی که دولت برای پایین آوردن قیمت می کند، می تواند سودآور باشد. مرکز نشر دانشگاهی هم اکنون چندین عنوان در اختیار دارد که با وجود اینکه تهیه آنها چند سال طول کشیده و

بابت تألیف یا ترجمه و ویرایش آنها هزینه سنگینی پرداخت شده، مع هذا به دلیل تیراژ زیاد به حد سودآوری رسیده اند.

ولی مشکل هم اکنون در برنامه ریزی برای چاپ این کتابهای پرتیراژ نداشتن چاپخانه و صحافی و لوازم و مصالح و مواد مورد نیاز است. متأسفانه بیشتر ناشران دولتی به استثنای بعضی از آنها، مانند انتشارات دانشگاه تهران و وزارت ارشاد و سازمان کتابهای درسی وزارت آموزش و پرورش که اولی و دومی چاپخانه اختصاصی خود و سومی چاپخانه شرکت افست و چاپخانه های دیگر را در اختیار دارند، از داشتن چاپخانه های مجهز و مواد لازم مصرفی محرومند. فقیرترین ناشران وابسته به دولت و یکی از بزرگترین و پرمسئولیت ترین آنها مرکز نشر دانشگاهی است. اینجاست که وظیفه مهم دولت آغاز می شود.

ب) وظایف دولت: وظایف دولت در قبال تولیدکنندگان کتاب و نشریات و مجلات بسیار مهم است، و در حقیقت بهبود وضع کتاب و تولید آن بستگی به اقداماتی دارد که دولت باید انجام دهد. قبل از هر چیز دولت باید مواد مصرفی برای چاپ و نشر کتابها و نشریات را نه تنها برای مؤسسات وابسته به خود بلکه برای ناشران و چاپخانه های خصوصی نیز، خواه از طریق بالا بردن سطح تولید داخلی و خواه از طریق وارد کردن آنها، بالا برد. ایجاد مانع، و بلکه موانع متعدد، در سر راه ناشران دولتی و غیردولتی به دلیل عدم آگاهی بعضی از مسئولان، دانسته و نادانسته لطمه ای جبران ناپذیر به فرهنگ کشور وارد خواهد آورد. وزارتخانه های ذیربط باید ممنوعیت تأسیس چاپخانه ها و صحافیهای جدید را نیز بردارند. هنوز ما در کشور خود صحافی مجهز به اندازه کافی نداریم^{۱۲} این فکر که ما به دلیل حفظ استقلال و رسیدن به خودکفایی از تأسیس چاپخانه ها و صحافیهای جدید جلوگیری کنیم اشتباه محض است. نه تنها تعداد چاپخانه ها و صحافیهای دولتی و غیردولتی باید افزایش یابد بلکه باید قدیمیها را نیز به پیشرفته ترین وسایل و ماشین آلات حروفچینی و چاپ مجهز کرد.

زیان دیگری که از ناحیه دولت به میزان تولید کتاب در ایران وارد می شود و دولت باید هر چه زودتر چاره ای برای آن بیندیشد جلوگیری از صادرات کتابهای فارسی و غیر فارسی است که در

و تأسیس کلاسها و حتی رشته‌های خاصی برای حرفه‌های فوق کاری است که دولت باید خود را برای آن آماده سازد. در ضمن، مسأله ویرایش و نشر کتابها بخصوص کتابهای دانشگاهی، نیز از اموری است که دولت باید برای آن سرمایه‌گذاری کند و تسهیلاتی برای فرستادن دانشجو به خارج جهت دیدن دوره‌های لازم و تأسیس کلاسهای در دانشگاههای کشور فراهم نماید.

و بالاخره آخرین اقدام و درعین حال یکی از مهمترین اقدامات که دولت باید به عهده گیرد تشویق محققان و مؤلفان و مترجمان از راههای مادی و معنوی است. مؤلفان و مترجمان ما هنوز واقعاً نمی‌توانند به حقوق خود برسند. بسیاری از ناشران آنها را فریب می‌دهند. درصدی را که قرار است به عنوان حق تألیف یا ترجمه به مؤلف یا مترجم بپردازند، اگر بپردازند، با انواع حیلها تقلیل می‌دهند و دست آخر هم مؤلف و مترجم آن قدر خون دل باید بخورد تا شندرغاز از ناشر بگیرد. این تازه زمانی است که ناشر اندکی انصاف داشته باشد. امان از دست ناشران بی‌انصاف که بدون اطلاع مؤلف و مترجم یا ورثه او اقدام به چاپ کتاب می‌کنند!

خوشبختانه ناشران دولتی این گونه اجحافها را در حق مؤلف و مترجم روا نمی‌دارند، و به همین دلیل مؤلفان و مترجمان رغبت بیشتری دارند که کتابهای خود را به مؤسسات دولتی بدهند. ولی این مؤسسات نیز گاهی اشکالاتی دیگر برای مؤلف و مترجم به وجود می‌آورند. یکی از آنها این است که در هنگام عقد قرارداد برای چاپ اول، انحصار چاپهای بعدی را هم در اختیار خود می‌گیرند، ولی وقتی نسخه‌ها تمام شد، گاهی مدتها طول می‌کشد تا مبادرت به چاپ بعدی کنند و گاهی هم اصلاً این کار را نمی‌کنند و مؤلف و مترجم را بلا تکلیف می‌گذارند.

اشکال دیگر در نحوه توزیع مؤسسات دولتی است. توزیع اکثر ناشران دولتی بد است. کتابی که در دوهزار نسخه چاپ کرده‌اند و يك ناشر زرنگ می‌توانست در یکی دو ماه همه نسخه‌های آن را پخش کند و به فروش رساند، ناشر دولتی دوسه سال باید منتظر بماند تا آنها را بفروشد. و بسیار اتفاق افتاده است که سالها از نشر يك کتاب گذشته و هنوز نسخه‌هایی از کتاب در انبار ناشر مانده است، در صورتی که چه بسا کتاب دراصل خوب و پرفروش بوده ولی مقررات دست‌وپاگیر یا تنبلی و بی‌توجهی مسؤولان انتشارات دولتی موجب شده که کتاب و مترجم یا مؤلف آن هر دو شکست بخورند.

امروزه بدون شك مهمترین و واجب‌ترین قدمی که دولت باید در راه تشویق مؤلفان و مترجمان بردارد تهیه قوانین منصفانه

داخل کشور به چاپ می‌رسد. بسیاری محققان خارجی و علاقه‌مندان به ایران و فرهنگ ایرانی که مایلند از کتابهای ایران استفاده کنند، ولی راهی برای خرید آنها ندارند. علاوه بر این، صدها هزار ایرانی هم اکنون در کشورهای خارج اقامت دارند و اینها غالباً مشتریان بالقوه کتابهایی هستند که در کشور ما تولید می‌شود. در صورتی که راهی برای صدور و توزیع و فروش پیدا شود از این راه نه تنها ناشران، اعم از دولتی و غیردولتی، سود خواهند برد، بلکه ارتباط معنوی و فرهنگی این عده نیز با ایران و با وطنشان محفوظ خواهد ماند. این که ما به بهانه بازنگشتن چندصد هزار دلار در سال به خزانه کشور، مانع صدور کتابهای فارسی به خارج شویم خدمتی به کشور نکرده‌ایم، بلکه در حقیقت از صدور تحقیقات محققان و آثار متفکران کشور خود و اشاعه اندیشه اسلامی و رواج علم و ادب فارسی به دوستداران آن و حتی هموطنان خودمان که به دلائل مختلف در غربت به سر می‌برند جلوگیری کرده‌ایم.

مسائل دیگری که دولت باید با جدیت به آن بپردازد تقویت کتابخانه‌ها و بنیه کتابداری در سطح کشور است. گسترش کتابخانه‌ها و تربیت کتابداران متخصص می‌تواند تا حدود زیادی نیاز کتابخوانها را که سال به سال به تعداد آنها افزوده می‌شود برآورده سازد. تجهیز کتابخانه‌های کشور و افزایش تعداد کتابداران موجب خواهد شد که نیاز مردم به کتاب از جهاتی بهتر برآورده شود و دسترسی به کتاب برای علاقه‌مندانی که درآمد کافی برای خرید کتاب ندارند آسانتر شود. برای تقویت کتابخانه‌ها و بنیه کتابداری کشور دولت باید بودجه بیشتری به گسترش کتابخانه‌های موجود و تأسیس کتابخانه‌های جدید و تقویت و گسترش دانشکده‌های کتابداری و پذیرش دانشجوی بیشتری در این رشته اختصاص دهد.

علاوه بر تربیت کادر کتابداری، دولت باید برای تربیت و آموزش متخصصان چاپ و عکاسی و گرافیک و خروفجینی ماشینی و لیتوگرافی نیز برنامه‌ریزی نماید. امروزه با پیشرفت سریع ماشینهای مختلف و دستگاههای کامپیوتری افرادی می‌توانند از این ماشینها استفاده کنند که دوره‌های خاصی را گذرانده باشند. اعزام دانشجو به خارج برای دیدن دوره‌های لازم

برای حفظ حقوق آنان و به تصویب رساندن این قوانین و نظارت بر اجرای آنهاست. از آنجا که در مقاله دیگری این موضوع را شرح داده‌ام از تکرار مطالب در اینجا خودداری می‌کنم.^{۱۳} و اما آنچه مؤلفان و مترجمان ما خود باید بدان اقدام کنند تأسیس يك انجمن صنفی یا اتحادیه است. این گونه انجمنها و اتحادیه‌ها در کشورهای صنعتی که مرحله بلوغ کتابخوانی را پشت سر گذاشته‌اند بسیار رایج است. مؤلفان و مترجمان کشور ما نیز باید خود کمر همت ببندند و برای احقاق حقوق خود و جلوگیری از تجاوز ناشران دولتی و بخصوص بخش خصوصی به حقوق حقّه ایشان جمعیتی صنفی و غیر سیاسی تشکیل دهند و خواستار وضع قوانینی شوند که حقوق آنها را حفظ کند. و از طریق قوه اجرائیه و در استخدام گرفتن حقوقدانان و وکلای مجرب در مقابل ناشرانی که به هر دلیل حقوق آنها را به نفع خود نادیده می‌گیرند ایستادگی کنند.

خلاصه و نتیجه

تغییرات و تحولاتی که در تقاضا و عرضه کتاب در کشور ما در سالهای اخیر اتفاق افتاده است حکایت از مرحله بلوغ کتابخوانی در کشور ما می‌کند. وضع کتاب و کتابخوانی در سالهای اخیر به صورتی درآمده است که نظایر آن در کشورهای صنعتی دیده می‌شود. در واقع این تحول نشانه‌ای از تحول جامعه ما از کشاورزی به صنعتی است، همان چیزی که آلوین تافلر آن را موج دوم می‌خواند. رشد طبقه کتابخوان که از قبل از انقلاب شتاب بیشتری پیدا کرده، در سالهای آینده به‌طور تصاعدی بالا خواهد رفت. این وضع مسائلی را برای فرهنگ جامعه ما ایجاد می‌کند. برای مقابله منطقی و صحیح با این تقاضاها ناشران و مسؤولان دولتی و حتی نویسندگان و مترجمان مسؤولیتهایی دارند و بخصوص وظیفه مسؤولان دولتی از همه سنگین تر است. اگر دولت هم اکنون با عقل و تدبیر چاره‌ای برای رفع مشکلات و حل مسائلی که هم اکنون وجود دارد و سال به سال هم بیشتر خواهد شد نیندیشد، صرف نظر از زیانهای جبران ناپذیری که به فرهنگ کشور وارد خواهد شد، دولتها و مسؤولان آینده را در گردابی از مشکلات و مسائل فرهنگی و اجتماعی و حتی سیاسی فرو خواهد برد.

(۱) رك: كتاب و مطبوعات در ایران. مركز آمار ایران. تهران، ۱۳۵۲، ص ۲۴. در این كتاب آمار عناوین منتشره که توسط كتابخانه ملی تهیه شده ذكر گردیده ولی آمار «كتابشناسی ده ساله ایران» از «جزوات كتابشناسی ملی ایران» كاملتر است.

(۲) درست است که در پاییز سال ۵۷ به دلیل رفع مشکل سانسور کتابهای متعددی که انتشار آنها قبلاً ممنوع بود به چاپ رسید، ولی از سوی دیگر به دلیل تعطیل یا نیمه تعطیل شدن انتشارات دولتی کتابهای کمتری توسط آنها تولید گردید. (۳) از آنجا که انتشار کتابشناسی ملی در سال ۱۳۵۷ متوقف شد، ما نمی‌دانیم که در این سال و نیز در سالهای بعد دقیقاً چند عنوان منتشر شده است. بعضی از مؤسسات سعی کرده‌اند این خلأ را پر کنند. نشر دانش در چهار سال گذشته هر دو ماه يك بار فهرستی از عناوین منتشر شده منتشر کرده است. ولی این فهرست بسیار ناقص است و از روی آن نمی‌توان حتی پی به آمار تقریبی عناوین چاپ شده برد. از اسفندماه سال ۱۳۶۱ وزارت ارشاد اسلامی به چاپ جزوه‌هایی در شرح عناوین منتشر شده مبادرت ورزیده است، ولی این جزوه‌ها نیز آمار دقیقی را منعکس نمی‌کند.

(۴) این فهرست به همت فروخ امیر فریار تهیه شده و در شماره چهارم سال چهارم نشر دانش (ص ۷۹) به چاپ رسیده است.

(۵) در آن ایام شنیده می‌شد که نسخ به فروش رفته بعضی از کتابهای شریعی از مرز يك میلیون گذشته است. آقای کریم امامی مجموع نسخه‌هایی را که از کتابهای شریعی به چاپ رسیده است بالغ بر ۸ میلیون تخمین زده است و این تخمین منطقی تر به نظر می‌رسد. رك: «آینده نشر كتاب در ایران». آینده، سال ۵، شماره ۴-۶. تابستان ۵۸، ص ۱۹۱.

(۶) مثلاً فرهنگ يك جلدی عمید در سال گذشته در ۱۰۰۰۰۰ نسخه تکثیر شد که در مدت ۶ ماه همه آنها به فروش رفت. فرهنگ ۶ جلدی معین نیز بیش از ده سال است که مرتباً هر بار در هزاران نسخه تکثیر می‌شود و باز هم طالبان «هل من مزید» می‌زنند. لفتنامه دهخدا و دائرة المعارف مصاحب نیز بازار سیاه پیدا کرده است و دائرة المعارف را به چندین برابر قیمت اصلی معامله می‌کنند.

(۷) در اینجا چون نظر ما شرح وضعیت تولید و توزیع بود از ذکر ازدیاد مؤسسات انتشاراتی بعد از انقلاب خودداری کردیم. وجود مؤسسات جدید انتشاراتی عامل مهمی در بالا رفتن تولید بوده است. در مورد تعداد این مؤسسات جدیدالتأسیس نیز آمار دقیقی در دست نیست. شاید دست کم ۳۰ ناشر جدید در سالهای بعد از انقلاب آغاز به کار کرده باشند که از آن جمله می‌توان انتشارات مولی، فرهنگ معاصر، نیکان، اسفاره، نشر نو، وازه، کتاب تهران، کتابسرا، زمینه، الزهراء، هما، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، اساطیر، مؤسسه بزرگ چاپ و نشر آستان قدس رضوی، بنیاد قرآن، بنیاد نهج البلاغه، بنیاد طاهر، و بالأخره مرکز نشر دانشگاهی را نام برد.

(۸) بالا رفتن تیراژ روزنامه‌های دوران انقلاب که از مرز يك میلیون نسخه گذشت، اگرچه يك حالت استثنایی بود، ولی به‌رحال حادثه‌ای بود بزرگ که در هنگام بررسی رشد کتابخوانی در سالهای اخیر نباید فراموش کرد.

(۹) افتتاح این دانشگاهها را نباید به حساب پیشرفتهای رژیم سابق گذاشت، چه این گونه تحولات در جامعه‌ای چون جامعه اسلامی ایران با آن همه سوابق فرهنگی و در میان ملتی ادب پرور و علم دوست، می‌بایست خیلی زودتر از اینها رخ داده باشد.

(۱۰) بالا رفتن تیراژ کتابهای مذهبی تا سال ۶۲ ادامه داشته است، ولی ظاهراً تیراژ بعضی از کتابهای مذهبی در سال ۶۳ پایین آمده است. شاید علت این امر تا حدودی اشباع شدن بازار در سالهای گذشته و همچنین چاپ کتابهای تکراری و شبیه به هم و پایین بودن سطح مطالب آنها باشد.

(۱۱) در مورد آداب و اخلاق صحیح چاپ افست رجوع شود به مقاله آقای کریم امامی در همین شماره نشر دانش.

(۱۲) از موارد تأسف آور صحافی كتاب تاریخ فلسفه در اسلام است که مرکز نشر دانشگاهی منتشر کرده است. چاپ این كتاب در بهمن ماه سال گذشته پایان پذیرفت و مدت شش ماه در صحافی چاپخانه شرکت سهامی افست ماند تا سرانجام نویت آن فرا رسید.

(۱۳) رجوع کنید به مقاله «مسئله حقوق مؤلفان و ناشران». نشر دانش، سال چهارم، شماره دوم (ص ۴۲).